

## تصویر گری در ضرب المثل های شغنائی

\*اقبال حسام

### چکیده

ضرب المثل ها ژانر هایی هستند که از طریق آن ها می توان به خلقیات، ایجادیات، خوب و بد، تمایلات و حساسیت های و فکر اندیشه پی برد و رفتار خوب و خراب هر قوم و ملت را از طریق همین ضرب المثل ها می توان درک کرد و آشنایی اهل هر زبان را به ادبیات، تخییل و تصویرگری به خوبی دریافت. هدف از بیان ضرب المثل ها که همانا برکسی نشانند سخن و مقنع ساختن و بردل و دماغ شنونده حاکمیت کردن است، نیاز است که توهم با ادبیات عالی و کلمات دل انگیز باشد؛ تا برای شنونده تفهیم کند که چطور با ناملایمات زمان سرسازگاری پیدا کند و از کدام راه بتواند خود را از شر اعمال زشت فرمایگان و ابله‌هان برهاند و چه‌سان صفات نیک و پسندیده را اختیار کند تا از زخم زبان در امان باشد و کدام روش معقول و مقبول را برگزیند تا نور عزیز و نورچشم گردد تا در آینده زیر بار پشیمانی و سرافکنده‌گی خرد و خمیر نشود و این امیال و آرزوها در ضرب‌المثل جز از راه بلاغت و تصویر سازی ادبی دیگر قابل برآورده شدن نیستند. بلاغت و تصویر گری های ادبی هست که هنوز ضرب المثل های کهن و چندین صد ساله با همان آب و تاب اولی خود در میان مردم کاربرده داشته و سینه به سینه انتقال می‌یابد که راز این موفقیت در بیان و استعمال همان آرایه ادبی و بلاغی است که گوینده‌گان ضرب المثل ها با آن آشنایی داشته اند که هنوز در دل شنونده گان چنگ می‌زند. اهل زبان شغنائی نیز به این واقعیت های اصلی ضرب المثل پری برده و در بیان آن ها از بلاغت کارگرفته و خیلی تاثیر گذار نیز می باشد.

واژه های کلیدی: زبان شغنائی، ضرب‌المثل، تصویرگری، بدیع، بیان و معانی.

### مقدمه

ضرب المثل ها که بخشی از داشته مهم فولکلوری یک ملت را به دوش دارد، از سابقه دارترین پیام زبانی محسوب می شود که با داشتن خصوصیات ایجازی پیام های پرمغز و نغز را در میان توده مردم جهت فرمانروایی روایی بر مغز ها پخش و نشر می سازد ه شیره و چکیده وقایع و حادثات را که بیان کننده افکار، احساسات، تجربیات و مشاهدات مردم است، با عالی ترین پایه های بلاغی انعکاس می دهد.

ضرب المثل در میان گوینده‌گان زبان شغنائی سهم گسترده‌یی در شکل گیری ادبیات عامه و تادیب نفس ها و جلوگیری از هر نوع اشتباه اخلاقی و اجتماعی ایفا می نمایند. چون در فرهنگ عامه مردم شغنان هر اشتباه با چوب ضرب المثل راست می شود و در هر لحظه‌یی آن را به صفت اصلاح کننده پیشکش می‌کنند.

این ضرب المثل ها کوتاه ولی آراسته به آرایش های کلامی چون تشبیه، کنایه، مجاز، استعاره، جناس، تکرار... هستند که این گنجینه پر بار، در این دیار مستقیماً با مردم ارتباط داشته و بیشتر ساخته و پرداخته ذوق خود شان است که واقعات تاریخی، داستانی، شعر و سخنی نغز که البته بیشتر، از تجربیات و ژرفکاوای های این مردم برآمده و به دلیل کوتاهی، خوش آهنگی، طنز و ظرافت های گوناگون و از همه بهتر و خوبتر پند و حکمتی که در آن نهفته است، قابل توجه بوده و در دل و جان مردم جا گرفته و نسل به نسل سینه به سینه انتقال یافته است. و بسیاری از ویژگی های اجتماعی که متحمل زشتی و زیبایی، هنجار و ناهنجار، اندیشه ها، جهان‌بینی، شیوه معیشت، نگاه قومی و خویشاوندی را در آن دید و کاویده اند. ضرب المثل ها در برگیرنده افکار ستوده و آرای نسل ها و تجربه های اشخاص دانا و آزموده است که در جوامع ادبی و بشری رایج و به دلیل گیرایی و رسایی آن زبانزد می‌شوند «از آنجایی که مثل ها مولود اندیشه، دانش و تجربیات مردم در درازنای تاریخ پر پیچ و خم انسان ها و میراث نسل ها ست، معرف آمال، آرزوها، غم ها، شادی ها، نفرت ها، اوهام و خرافات آنها نیز هست. مثل های شیرین، کوتاه و موثر تعدیل کننده اخلاق جوامع و مهذب عادات، رفتار و اندیشه قوم ها نیز بوده است.

استاد فاکولته ادبیات و علوم بشری \*

مثل ها با داشتن چنین ویژه‌گی ها فوایدی دیگری که همان حفظ و بقای واژه‌گان و اصطلاحات و توانمندی غنای زبان است را یدک می‌کشند و به قول ذوالفقاری همان جایگاه شعر را در غنای فرهنگی ملت می‌یابند (ذوالفقاری، 1386، 37).

### پیشینه تحقیق

در راستای زیبایی‌شناسی در ضرب المثل‌های شغنائی به گونه قطعی حکم کرده می‌توان که تا این‌دم هیچ‌کسی کاری در زمینه نه به شکل مستقیم و نه به شکل غیر مستقیم انجام داده است و این اولین اقدامی است که به آن دست یازیدم و شاید هم خالی از خللی نبوده باشد. اولین اقدامی که در باره ضرب المثل‌های زبان شغنائی شده من در سال 1387 به تعداد 120 ضرب المثل را جمع‌آوری و در وبلاگی به نام ندای شغنان به نشر رساندم و بعدها به کمک موسسه ثمر دو صد ضرب المثل را با ترجمه و معادل فارسی و انگلیسی در سال 1400 به قطع رحلی کوچک به چاپ رسید.

اما در زبان فارسی در رابطه به نقش بلاغت در ضرب المثل‌ها کارهای زیادی صورت گرفته است؛ از آن میان.

1. زیبایی‌شناسی ضرب المثل‌های فارسی از دکتر ذوالفقاری که در سال 1389 در مجله بستان ادب به نشر رسیده و نویسنده در آن مدعی شده که ابعاد زیبایی‌شناسی امثال فارسی بسیار گسترده است و همین جنبه‌های بلاغی و ادبی باعث شده تا محققان امثال را یکی از گونه‌های ادبی به شمار آورند.
2. زیبایی‌شناسی ضرب المثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان مقاله دیگری است که امیرعباس عزیزی فر آن را در دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه در سال 1392 به چاپ رسانده؛ بیان می‌دارد که با بررسی برخی از ضرب المثل‌های کردی ایلامی به این نتیجه رسیده است که این مثل‌ها ارزش بلاغی فراوانی دارند و تمام ظرفیت‌های علم بیان در آن استفاده شده است و این امر نتیجه قدرت خیال پردازای قوی گوینده‌گان برای نفوذ در دلها و اذهان است.
3. بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عامه در ضرب المثل‌های فارسی از جمیله فاطمی است که در مجله کهن نامه ادب فارسی در سال 1390 به منتشر شده و در آن نویسنده اذهان می‌دارد که گنجینه بزرگ و ماندگار امثال و حکم فارسی، سرشار از اصول و مبانی معرفتی، دینی، اخلاقی و فلسفی همچنین مشتمل بر برخی از نظریه‌های علوم چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، منطق، سیاست و غیره است. از این رو نباید آن‌ها را تنها در حوزه ادبیات بررسی کرد. جنبه‌های گوناگون مثل‌ها می‌تواند افق‌های جدید و ابعاد تازه‌تری را بر روی پژوهشگران بگشاید و موجب شود تا به این ثروت عظیم ملی تنها از آثار ادبی نگریسته نشود.

همچنان مقالات دیگری چون بازنمایی ارزش‌ها اجتماعی در ضرب المثل‌های مردم ایلام از بهروز سپیدنامه و همکارانش؛ مبنای طرح‌واره‌های استعاره‌های موجود در ضرب المثل‌های شرق گیلان از بلقیس روشن و دیگران؛ تفاوت کنایه با ضرب المثل از حسن ذوالفقاری و همچنان کتاب فولکلور شناسی از دکتر بنووال نیز پخش و نشر گردیده اند.

### روش تحقیق

روش تحقیق مان کتاب‌خانه‌یی بوده معلومات را در مورد موضوع ابتدا جمع‌آوری و سپس آن را مورد تحلیل و تجزیه قرار دادیم و برای تحلیل محتوا استناد بیشتری به همان کتاب دو صد ضرب المثل شغنائی نمودیم و تمام داده‌های این نوشته بر تعداد ضرب المثل‌های جمع شده در آن کتاب به پیش می‌روند. از گفتار و نوشتار خود زبان استفاده صورت گرفته و اگر جایی نیاز بود معادل فارسی و انگلیسی نیز آورده شده تا کسانی که آشنایی به گفتار نوشتار زبان شغنائی ندارند، به اصل مطلب پی ببرند.

### سوالات تحقیق

کاربرد بلاغت در ضرب المثل‌های زبان شغنائی چگونه است؟

در زبان مردم شغنائی کدام آرایه ادبی بیشتر کاربرد دارد؟

آیا ارزش‌های بلاغی می‌توانند از طریق ضرب المثل بر دل و دماغ شنونده تاثیر بگذارند؟

چیستی و اهداف اجتماعی ضرب المثل‌ها در زبان شغنائی؟

مثل یک کلمه عربی است که در زبان فارسی آن را به پند؛ قصه؛ مانند؛ برهان و امثال آن معنی کرده اند در زبان شغنائی به آن «مثله» می‌گویند.

علمای بلاغت مثل را به اشکال گوناگون تعریف کرده اند: یکی آن را سخن کوتاه و پسندیده دانسته که به روزگاری در واقعه‌ای گفته باشند. دیگری گفته مثل چیزی است که چیزی بدان مانند شده باشد؛ یعنی بدان تشبیه شده باشد. یا مثل عبارت نغزی و پر معنایی است که شهرت یافته و در خور شهرت قبول عامه واقع شده است...

چنانچه در سطور بالا نیز عرض گردید؛ در زبان شغنائی تعدادی از ضرب المثل ها و مقال ها وجود دارند ، که مرام و غایه شان آشکار ساختن افعال و کردار ناپسندی ، چون: خود پسندی ، تنبلی، بزدلی، غروربی مورد، سخن چینی، تقلید، امساک و غیره میباشند، که اینگونه ضرب المثلها شکل انتقادی دارند و به خاطر اصلاح جامعه بکار میروند؛ مانند: « فزینخ اند وم ذم خلق » «نه خوردت نه خو شهخ ارد» « فارجین نال چودت بنربیجه خو پاذا سینت » « مهمون تر چید نه لهکین یه لوفد مو قوش خرجین بهر اند لهکیت ». اینگونه ضرب المثل ها از لحاظ موضوع بسیار گسترده اند که تقریبا تمام عملکرد انسان ها را احتوا می کنند.

بسیاری از ضرب المثل ها میان زبان شغنائی و فارسی دری شکل مشترک را به خود قایل شده اند ، که این ریشه بیشتر از لحاظ رفت و آمد های مردم و همچنان تبا دل فکری شان با همدیگر در اندیشه ادبی جا گرفته است. بعضی از ضرب المثل های فارسی دری که در بین مردم شغنان معمول و مروج هستند در نزد خود اهل زبان و ادب فارسی دری قلیل الاستعمال شده اند؛ مانند: « غلام نو روبه ره به دو میگیره »

## تصویر گری در زبان شغنائی

### 1. بیان

1.1. تشبیه: تشبیه مهم‌ترین عنصر سازنده این دستگاه است که صورت‌های دیگر خیال مانند استعاره، تشخیص و حتی رمز و کنایه از آن ناشی می‌شود. تشبیه نشان دهنده وسعت و زاویه دید شاعر است؛ نشان می‌دهد که شاعر چگونه توانسته میان اشیا و عناصر به ظاهر بی ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند؛ ارتباطی که با هیچ دید و توانی جز دید و توان شاعر دریافت نمی‌شود. به دیگر سخن هسته مرکزی خیال‌های شاعرانه تشبیه است. گویا به همین دلیل ابن رشیق قیروانی اساس و بنای شعر را تشبیهی خوش و استعاره دلکش می‌داند: « شعر چیزی است که مشتمل بر تشبیهی خوش و استعاره‌ای دلکش باشد و در ماسوای آن‌ها گوینده را فضل وزنی خواهد بود و پس از آنجا که پایه استعاره نیز بر تشبیه استوار است می‌توان گفت ابن رشیق اساس شعر را تشبیه می‌داند (حسام، 1396، 117).

ضرب المثل زمانی در زبان شغنائی استعمال می‌شود که شخص عملی انجام دهد و یا سخنی بیان کند که در بیشتر موارد خلاف خواست و آروزی شنونده و یا گوینده باشد، در این زمان است که او سخن را به چیزی که به صفت ضرب المثل در میان عوام و خواص شهرت دارد، تشبیه می‌کند، یعنی در حقیقت ضرب المثل ها همان شکل و شمایل تمثیل را به خو میگیرند چون تمثیل هم خود از خاندان مثل و تشبیه است و در تعاریف آن گفته شده که: تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هر چند معنای ظاهری دارد؛ اما مراد گوینده معنای کلی‌تری است.

تمثیل ترجمانی است از یک مضمون خودآگاه و عقلانی، در حالی که نماد بیان یک مضمون معمولاً ناخودآگاه است که تنها می‌توان ماهیت آن را حدس زد؛ تمثیل فقط به یک مفهوم عقلی واحد اشاره میکند؛ حال آنکه نماد انسان را به جست و جو در حقایق ناشناخته وامی‌دارد.

فلونه ره نیکته شاشرد (م... او) در این ضرب المثل معمولاً در مقابل کسانی که پاس هیچ نوع انسانیت را نمی‌دارند تشبیه شده اند به ش... دن در درون ریگ که زود جذب شده دیگر آثاری از آن بر روی ریگ باقی نخواهد ماند.

بنویچ اند وه بهر چست غهخ اند وهم نحن. در این ضرب المثل بنویچ (تکه رزه‌یی) مشبه به و غهخ اند وهم نحن ( مادر دختر) مشبه است. هدف گوینده این است که زمانی می‌خواهی در باره دختر قضاوت کنی ابتدا باید مادرش را شناخت و اگر می‌خواهی تکه رزه‌یی خریداری نمایی باید عرض آنرا در نظر بگیری.

کد اس خو (... بنیمونت فلونه اس خو کار

بهبه بهکین پینشچ اس تو که بویگنده چهی لوفجه خونه دوماد

2.1. استعاره: استعاره، نوعی از مجاز محسوب می‌شود، با این تفاوت که ارتباط و علاقه بین معنی مجازی و حقیقی در آن مشابهت است، به همین جهت آن را مجاز استعاری نیز نامیده اند. استعاره نیز در عین حال به علت وجود علاقه مشابهت، نوعی تشبیه نیز به حساب می‌آید، با این خصوصیت که در آن، از همه ارکان تشبیه، تنها مشبیه ذکر شده و سه رکن دیگر کنار گذاشته شده است. از این جهت آن را تشبیه محذوف نیز نامیده اند.

یکی از برتری های استعاره بر تشبیه- علاوه بر ایجاز- این است که در تشبیه ادعای شباهت است و در استعاره ادعای یکسانی؛ با وجود آن که تشبیه و استعاره هرکدام نقش خاص خود را در امور صورخیال بازی می‌کنند و از عوامل مهم زیبایی شناختی محسوب می‌شود؛ ولی طوری که دیده می‌شود در تشبیه نوعی پخته خواری است که خواننده تلاشی برای یافتن تصویر نمی‌کند؛ زیرا گوینده، خواننده را به همکاری فرامی‌خواند و وی را با امری پایان یافته رویه‌رو می‌سازد؛ اما در استعاره، گوینده تخیل خواننده را به کشف روابط متن و گسترش تصاویر فشرده دعوت می‌کند تا وی با تخیل همسو با گوینده، سخن را بازآفرینی کند و از این احساس خلاقیت و آفرینش به التذادی شاعرانه دست یابد.

استعاره گرچه خود عاریتی و فراواقعی است؛ اما واقع‌نمایی بسیار دارد که در تشبیه دیده نمی‌شود؛ زیرا تشبیه همسانی دو پدیده و استعاره یکسانی آن‌ها است. همین یکی شدن اشیا متن را به سمت شهودی هنرمندانه سوق می‌دهد. در تشبیه با دو جز زبانی سروکار داریم. وقتی گوینده چهره را به گل تشبیه می‌کند گل عنصری زاید است که صفاتی چون لطافت، تازه‌گی، زیبایی و سرخی را به چهره منتقل می‌سازد؛ اما وقتی گوینده گل را در استعاره به جای چهره می‌نشانند، با یک جز زبانی رو به روییم و این ایجاز فشرده‌گی را از تشبیه دور می‌کند به طرف نگاهی ژرف و ابهام و گره خورده گی می‌کشاند.

در تشبیه پدیده‌ای تکثیر و ذهن مخاطب به درک شباهت میان دو چیز دعوت می‌شود؛ اما در استعاره کثرت به وحدت می‌انجامد و وحدت اشیا در ذهن مخاطب نقش می‌بندد.

استعاره بزرگترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه زبان هنری است. استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کلام است و ملکه تشبیهات مجازی دانسته شده است.

کمپیر رقاصه نه فهرذید پایگه تهنک.

بناوجک از پساف ژندم بنخ خیرت.

از سال 1980 تا 1990 برخلاف دیدگاه سنتی در باره استعاره دیدگاه نوتری به وجود آمده که در این باور استعاره محدود به لفظ و زبان نیست بلکه موضوعی است که در سطح اندیشه ایجاد می‌شود. در این دیدگاه استعاره تنها به شعر و ادبیات و تخیل ارتباط نداشته؛ بلکه به بیان اهداف و چگونگی استعمال آن مرتب است.

لیکاف و جانسون که بررسی استعاره پرداختند از نظر آنها استعاره ساز و کار اصلی اندیشه انسان است که از طریق آنها، مفاهیم انتزاعی را درک می‌کنیم و دست به استدلال انتزاعی می‌زنیم. استعاره مفهومی فهم حوزه مقصد بر اساس حوزه مبدا است و اصل استعاره بر پایه نگاشت استوار است. آن حوزه مفهومی که ما از آن، عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهوم دیگری را درک کنیم، حوزه مبدا و آن حوزه مفهومی را ه به این روش درک می‌شود، حوزه مقصد

می‌نامیم. بر اساس نظریه استعاره مفهومی، تطابق حوزه مبدا با مقصد امکان پذیر است و چون ضرب المثل‌ها دارای ساخت علی، ساختار زمانی، شکل رویداد، ساختار هدف، وجه میزان خطی هستند، می‌توان با لفظی اندک و به شکلی تاثیر گذار، مفاهیم انتزاعی را بیان کنند. در ضرب المثل‌ها، هریک مفاهیم انتزاعی به وسیله نمودهای بیان شده اند که برای درک آسانتر مفاهیم انتزاعی با مفاهیم نمادین در ضرب المثل بیان می‌شوند (آرمان و دیگران، 1398، 209-210).

روشن از قول گبیز بر این باور است که ضرب المثل‌ها عبارات و جمله‌های ثابتی هستند که حقایق شناخته شده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی را بازگو می‌کنند و از آن جهت جالب هستند که مربوط به زبان استعاری و مجازی اند (روشن و دیگران، 1392، 78).

از قارج ناشکری کنی دأبنت تو جزا ذید. از اسپ ناشکری کنی دشت جزایت می‌دهد. در این ضرب المثل قارج استعاره از هر وسیله و امکانات پیش آمده است که باید از آن استفاده درست صورت گیرد.

از محبت ته یاخ نور سودت ذیو حور. از محبت آتش نور می‌گردد و دیو پری. آتش و دیو استعاره از دشمن و نور و حور استعاره از دوست.

از خو بنأستم امید. از دام خود امید درام. بنأست استعاره از تلاش؛ عمل و زحمت است که بیشتر در مواردی که امیدواری از عمل در آن بوده باشد، استعمال می‌شود.

پورگ تر پورپ بیث نه وزد پسین ژیر پس خیث کرینت. موش در خانه خود جای نمی‌شود افسان سنگ را به دمش می‌کشد. موش در این ضرب المثل استعاره از هر فرد حریص است.

چبود چه رو بنت ات قو و مرد بونه. کبوتر در تصمیم پرواز کردن است اما صدایی را بهانه می‌گیرد. چبود استعاره از هر فرد فرصت طلب و بهانه جوی است.

وذچ بخ خو نأن ارد خیب خیب. چوچه گنچشک به مادرش سخن تعلیم می‌دهد. وذچ بخ استعاره از هر فرد ناتوان و کوچکی است که گپ‌های بسیار بالا تر از توان خود را در حضور بزرگ‌تر از خود ارایه کند.

نأرم بنخ ته بیرین چؤنت. آب نرم زیر زمین را می‌کند. نأرم بنخ استعاره از افراد کم‌گپ و خاموش است.

1.3. کنایه: در اصطلاح علمای علم بیان پوشاندن معنی موضوع له و حقیقی لفظ و بیان کردن لوازم معنی است، پس: یا ذکر ملزوم است و اراده لازم یا برعکس ذکر لازم است و اراده ملزوم. و به عبارت دیگر کنایه به کاربردن لفظ در معنی مجازی با علاقه غیر مشابهت و بدون ذکر قرینه صارفه یا مانعه است، پس در بحث کنایه لفظ را در خارج لازم معنی به کار می‌برند؛ اما چون قرینه صارفه در کلام نیست لذا اراده معنی حقیقی نیز ممکن است. نتیجه‌یی که از این تعاریف گرفته میشود این است که کنایه یعنی بکار بردن یک کلمه و یا یک کلام در معنی دومی است.

ارزش ادبی و زیبایی شناختی کنایه از دید منتقدان و ادیبان پیشین و متاخر پوشیده نمانده است. چنانکه مالارمه، شاعر فرانسوی، عقیده دارد که اگر چیزی را به همان نام که هست، یعنی نام اصلی خودش، بنامیم سه چهار لذت و زیبایی بیان آن را از میان برده ایم؛ زیرا لذت کوششی که ذهن برای ایجاد پیوند میان معانی و جستجوست به صورت ناچیزی در میآید. بنابراین کنایه یکی از صورتهای بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را که اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم، لذت بخش نیست و گاه مستهجن و زشت مینماید، از رهگذر کنایه میتوان به اسلوبی دلکش و موثر بیان کرد (حسام، 1399، 82).

این آرایه ادبی از تمام آرایه های دیگر به مثل خیلی نزدیک است و گاهی باعث شده که کنایه را مثل و یا مثل را کنایه خطاب کنند. چنانچه یکی از محققان بیان مقصود به شکل کنایی را در مثل شرط می داند. ولی باید دانست که میان مثل و کنایه تفاوت وجود دارد و آن دو را از هم متمایز می سازد.

کنایه اغلب شکل مصدری دارد و قابل جمله شدن است مثل «نأخ ذابنخ». مثل جمله است ولی کنایه الفاظ مفرد یا مرکب» کنایه جمله نیستند، بلکه الفاظ مفرد یا مرکبه اند که در جمله های بسیار وارد می شوند و هر کدام قابل تعریف است و به صیغه های مختلف تحویل می گردد. کنایه جنبه اندرزی نه دارد اغلب دارای نصیحت هستند. در مثل ها اغلب کلید واژه ها معنای استعاری دارند.

گاهی اوقات میان مثل و کنایه مشابهت هایی نیز دیده می شود؛ چنانچه هردو کوتاه هستند اما کنایه در سطح واژه ولی مثل در سطح جمله یا شبه جمله گسترش می یابند. کنایه و مثل هردو رایج و پرکاربرد اند و دو روی دارند. با این تفاوت که روی دوم کنایه مجاز و روی دوم مثل استعاره است. کلید واژه های مثل و کنایه اغلب تغییر می کنند. گاه از یک مثل یا کنایه با تغییر واژه ها به تناسب اقلیم و وضعیت کاربرد و زمان ده ها شکل وجود دارد که از این حیث مثل و کنایه شبیه هم هستند (ذوالفقاری، 1387، 120-121).

1. فربین پرزم. کنایه از ضرب الاجل تعیین کردن
2. کد زمرد ارد ماث. فرار کردن، محل را ترک کردن.
3. خرغ ارد مو شگین. بیهوده؛ شله گی در هر کاری کردن.
4. بنفج په درخت. در ترس و هراس افتیدن.
5. وورجن بنیونج. بی اعتبار.
6. مویته مجاز. زود رنج.
7. کد خو صاحب نه فرید. ازدحام زیاد.
8. بنوفدن بنخ. آرام گرفتن؛ خاموش شدن.
9. پینت په غهفت دهم چک. لاجواب ماندن؛ مات و مبعوت شدن.
- 10: رهخته بین وه نهذد. فریب دادن و محتاج ساختن.
- 11: کد په خدارج. زار و زبون بودن.

12: خو چین رو هزد. خود نمایی کردن.

13: کهل و رویج. لا ابال؛ بی بند و بار چهار صد و بیست.

14: کد کهلند قیمب. سرو صدا و جنجال انداختن و همچنان ضعف کردن .

15: نهج ذابنج. شله ؛ دیده درا.

16: زاغن بنج. به شور افتادن ، سرو صدا انداختن، خشم شدن.

17: زغیر بریون. سرگردانی.

18: مرده شهف . سست، کم قوت.

1.4. ایجاز ایجاز، از مصدر باب افعال و در این فن آرایه کلامی است که الفاظ نسبت ه محتوای آن کمتر باشد به تعبیر دیگر، هرگاه حجم لفظ نسبت به معانی که افاده می‌کند کمتر باشد، آن لفظ را موجز و ادای آن را ایجاز نامند.

یکی از ابواب اساسی در فن بلاغت، ایراد سخنی است که با حجم کم و کوتاه، معنا یا معانی بسیاری را به مخاطب تفهیم کند، مشروط بر آن‌که مناسب حال و مقام بوده، با استعداد مخاطب هم‌آهنگ باشد. یکی از ویژگی‌های مثل ایجاز است؛ چنان که در اغلب تعاریف بر این ویژگی تأکید شده است.

ایجاز مثل‌های از نوع ایجاز قصر است و هم حذف در ایجاز قصر، عبارت کوتاه و معنی بسیار است، بی‌آن‌که جزئی حذف شده باشد؛ اما در ایجاز حذف در وجودیت قرینه لفظی یا معنوی کلمات حذف می‌شوند. مانند: (مؤکدت مه قأبئ). (پشت پورگ)، (حُبنت حُبناج).

## 2.1. بدیع

2.1.1. سجع: کاربرد سجع کلام به خصوص مثل‌های شغنائی نه چندان زیباست و نه هم نا زیبا. ولی گوینده‌گان جهت ارتباط قرار دادن میان لفظ و معنا از این آرایه استفاده کرده اند چون موضوعات مثل با احساسات و عواطف بازی می‌کنند انتخاب کلمات مسجع بی‌مورد نخواهد بود.

ازود روندأ ازم مؤندأ.

بؤونه بی بچه خوردن کتأ.

تاقأ خیداو آسؤو ات تاقأ میداو قینبر.

تیرن پلپل ات بیرن شپل.

خو شوله خات خو پرده کن.

2.1.2. تکرار: آن است که واژه‌یی (اسم یا فعل) و یا حرفی را در مصراع‌ی یا بی‌تی چندبار پشت سر هم تکرار کنند. تکرار کلام را خوش‌آهنگ و مطبوع می‌سازد.

تکرار زیباست، زیرا تکرار یک چیز یاد آور خود آن است و دریافت این وحدت شادی آفرین است. اصولاً ذهن انسان پیوسته در تکاپوی کشف رابطه و وحدت میان پدیده‌های گوناگون است و این عمل ذهن ایجاد نشاط است

تکراری که نشان دهنده کثرت و تاکید باشد از اهمیت و زیبایی طبیعی میان لفظ و معنای برخوردار است؛ زیرا هرچیز طبیعی مطلوب‌تر از تصنعی است و روح انسان با پدیده‌های طبیعی احساس انس و صمیمیت بیشتری می‌کند، از طرفی گوینده بر آن نیستند که خبری بدهند؛ بلکه برآنند که آن را نشان بدهند و مسلم است که تکرار نشان دهنده کثرت و شدت، پدیده‌ها را به صورت طبیعی یعنی شاعرانه‌تر و رساتر زیباتر نشان می‌دهد.

انگورذ از انگورذ وینت رانگ انجفخت.

تر بنرین خرخر.

چی خارام چی خارام خو فشتارک یخ.

خدای داذجن فه ارواح داذجن نی.

خیم از خیم تود.

فر دا فر خویه بیر رنک نید.

فیل تا فیل بون خه نه فد هندوستون خو نید.

کیل اس کیل طعنه نید.

مرکاب اس مرکاب گه زبا خه رست وم غور بنچینتورد.

وذچ بخ خو نان ارد خیب خیب.

2.1.3. تضاد: تضاد و تقابل از اصول حاکم بر جهان مادی است. و هر اکلیتوس، نخستین کسی است که به مسئله تضاد در هستی و اهمیت آن اشاره می‌کند و آن را مایه حیات می‌داند. به یقین این تضاد ها و تقابل ها حتمی تاثیرات خود را بالای ادبیات و هنر خواهند گذاشت. ادبیات گاه این تضاد ها و تقابل را همان گونه که هستند بازتاب داده و گاه جهان دلخواه و عاری از تناقضات آفریده است.

گروهی از منتقدان، معتقدند که عنصر تضاد و تقابل، برخلاف عنصری چون استعاره جزو گوهر شعر نیست؛ بلکه تنها بازی با معنا و یا لفظ است. از دید این منتقدان، تضاد و تقابل زینت یا عنصر بدیعی انگاشته نمی‌شود؛ بلکه تنها دستاویزی برای بیان معنا است. بسیاری از منتقدان نیز تضاد و تقابل را تنها در هیئت پارادوکس و گاه ایهام تضاد، جزو تصاویر هنری به حساب آورده اند. (مشاهری فرد و دیگران، 1395، 52).

تضاد در ضرب المثل ها بخصوص ضرب المثل های زبان شغنائی بیشتر به منظور تداعی معانی صورت گرفته و بیان یک ضد، ضد دیگری را تداعی کرده به یاد می‌آورد.

اگا دبنمنی خا کنی دوستی را مس جای لاک.



تئیر کورخ سفید کبنت

تئیر گلیم ته سفید نه سؤد.

دزد یرغات صاحب مال بنرمنده.

سیر از مرخونج حال چیز خبر.

کور ارد بنآب ات میث بیوٹ.

### نتیجه گیری

با بررسی زیبایی شناسی در دوصد ضرب المثل زبان شغنانی به این نتیجه رسیدیم که: وجود عناصر بلاغی در ضرب المثل های این زبان به وفور دیده شده و این خود مبین این واقعیت است که نه تنها گوینده گان به تجارب و سخنان دل انگیز اکتفا کرده بلکه به زیبایی شناسی نیز توجه داشته اند و به واقعیت تاثیر گذاری بلاغت بر ذهن دماغ شنونده جهت اصلاح سازی پی برده اند. و کوشش نموده اند که سخنان شان باید تاثیرات مثبتی بر روان شنونده داشته باشد.

از میان آرایه های بیانی استعاره و تشبیه بیشترین کاربردی در ضرب المثل های شغنانی داشته که این بیان کننده دو واقعیت است که یکی پی بردن به اهمیت بلاغت و دیگری همان بحث طنز پردازی و قافیه گویی میان این مردم است که خود مهارتی است که در زبان شغنانی در حد بالایی کار آمد دارد. و در هنگام بذله گویی از تشبیه و استعاره سود می جویند و این تاثیرات در ضرب المثل ها نیز نا دیده گرفته نه شده است.

تضاد و تکرار از جمله آرایه های بدیعی اند که بیشترین سهم را در ضرب المثل های زبان شغنانی از بخش بدیع دارند و کاربرد این آرایه ها هم بیشتر به هدف انبساط خاطر، روشنگری، ملموس ساختن و تجسیم بخشیدن و موکد ساختن موضوع است که شنونده آنرا نادیده نگیرد و در انجام آن بی باکی نکند.

### منابع

1. آرمان، علی رضا و دیگران. (1398). نگاشت های استعاری حیوانات در ضرب المثل های برآمده از متون فارسی. دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. ش. 26.
2. بنووال، محمد افضل. (1393) فولکلور شناسی. کابل: سعید.
3. پارسا، سید احمد. (ب ت) جلوه های طنز در ضرب المثل های فارسی. ب ج.
4. حسام، اقبال. (1396). صور خیال در دیوان ناصر خسرو. کابل: قرطبه.
5. ———. (1399). بیان و معانی. بدخشان: هاتف ندا.
6. حسام، اقبال و دیگران. (1400). 200 ضرب المثل شغنانی. کابل: موسسه ثمر.
7. ذوالفقاری، حسن. (1386). بررسی ساختار ارسال المثل. پژوهش های ادبی. سال چهارم. ش. 15.
8. ———. (1387). تفاوت کنایه با ضرب المثل. دو فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی» ش. 10.
9. ———. (1389). زیبایی شناسی ضرب المثل های فارسی. مجله بوستان ادب. ش. 2.
10. روشن، بلقیس و دیگران. (1392) مبنای طرحواره های استعاره های موجود در ضرب المثل های شرق گیلان. زبان شناخت. ش. 2.

11. سپیدنامه، بهروز و دیگران. (1400). بازنمایی ارزش اجتماعی در ضرب المثل های مردم ایلام. فصلنامه علمی. ش.3.
12. عزیزی فر، امیر عباس. (1392). زیبایی شناسی ضرب المثل های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان. دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه. ش.2.
13. فاطمی، جمیله. (1390). بررسی و تحلیل منطقی لغزش های فکری خرد عامه در ضرب المثل های فارسی. کهن نامه ادب فارسی. ش.اول.
14. مشاهری فرد، عطیه و دیگران. (1395). کارکرد تضاد و تقابل در زیبایی شناسی تصاویر غزلیات عطار، بر اساس آراء جرجانی. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. ش.41.